

«بررسی نحوه محاسبه حق بیمه سوابق اشتغال ایام گذشته (با توجه به آراء صادره از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)»

فاطمه سادات جاودان*

غلامرضا روایی*

مقدمه:

حق بیمه ایام معوقه یکی از مسائل مهم سازمان تأمین اجتماعی به شمار می‌آید، شاهد این مدعا شکایات متعددی است که اشخاص علیه سازمان تأمین اجتماعی در این مورد در دیوان عدالت اداری اقامه کرده‌اند و اخیراً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در این باره دادنامه یاد شده را پس از دادنامه ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ صادر کرده است. سبب اصلی این امر، ناشی از این است که کارفرمایان به تکالیف قانونی خود در اجرای مواد ۳۶ و ۳۹ عمل ننموده که با پرداخت به موقع حق بیمه صندوق تأمین اجتماعی نیز بتواند به تعهدات قانونی خود در قبال بیمه شدگان عمل نماید. در این ارتباط حق بیمه کارکنان شاغل در ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی تبیین گردیده است که در صورت عدم پرداخت به موقع حق بیمه از ناحیه کارفرما، صندوق تأمین اجتماعی می‌تواند، با اختیارات حاصله از قانون و مقررات تأمین اجتماعی از جمله تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین نامه مربوطه، حق بیمه را رأساً تعیین و از کارفرما مطالبه نماید.

*رئیس و کارشناس ارشد واحد حقوقی تأمین اجتماعی شرق تهران بزرگ.

✽ کارشناس حقوقی دفتر امور حقوقی و دعاوی.

گفتار نخست: محتوای دادنامه شماره ۱۹ مورخ ۹۱/۱/۲۱ هیأت

عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعمال ماده ۵۳ الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه شماره ۲۸۲-۱۳۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری گردش کار: به موجب نامه شماره ۵۸۳۸۸/الف/۹۰-۱۳۸۴/۱۰/۲۶-۹۰ مدیرکل تأمین اجتماعی استان اصفهان، از اداره کل درآمد حق بیمه سازمان تأمین اجتماعی سئوالی به شرح زیر به عمل آمده است:

این اداره کل جهت احتساب سوابقی که بنابر ادعای بیمه شده با وجود عدم تمایل سازمان از طریق مراجع و محاکم قضایی اعلام می شود؛ به لحاظ حفظ حقوق و منافع و مصالح سازمان و جلوگیری از طرح ادعاهای واهی و من غیر حق، حق بیمه متعلقه را براساس میانگین حداقل و حداکثر دستمزد سال قطعیت رأی محاسبه و مورد مطالبه قرار می دهد که با توجه به مکاتبات اخیر آن اداره کل به نظر می رسد، نحوه دیگری می تواند جایگزین این اقدام شود.

لذا با عنایت به این که این اداره کل با صدور آراء زیادی در این زمینه از سوی محاکم و مراجع ذی ربط مواجه بوده و از طرفی طبق دستورالعمل شماره ۵۰۰۰/۴۷۱۱۲ مورخ ۱۳۸۴/۵/۳۱ رسیدگی به ادعای سوابق بیمه شده به واحدهای بیمه ای واگذار شده، لذا خواهشمند است دستور فرمایید به منظور اتخاذ رویه واحد و یکسان در تعیین حق بیمه مربوطه، موضوع مورد بررسی و این اداره کل را ارائه طریق فرمایند.

در پاسخ به سئوال مذکور، مدیرکل درآمد حق بیمه سازمان تأمین اجتماعی به موجب نامه شماره ۱۰۱۵۵-۱۳۸۴/۱۱/۱۱ توضیح داده است:

بازگشت به نامه شماره ۵۸۲۸۸/الف/۹۰ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۶ اعلام می دارد؛

درخصوص سوابق مورد ادعای بیمه شدگان (در تمامی موارد) با توجه به شرایط مندرج در دستورالعمل، چنانچه سوابق مورد ادعا، پس از طرح در کمیته کارشناسی مورد تأیید سازمان قرار گیرد، در این صورت چنانچه فرد در حال حاضر بیمه پرداز سازمان باشد حق بیمه براساس حقوق و دستمزد مشمول کسر حق بیمه مندرج در

آخرین لیست ارسالی و در غیراین صورت براساس میانگین حداقل و حداکثر دستمزد مشمول کسر بیمه سال پرداخت (با در نظر گرفتن دقیق تعهدات سازمان) محاسبه، مطالبه و وصول می شود.

دانشگاه صنعتی اصفهان به موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۱۰۱۵۵-۱۳۸۴/۱۱/۱۱ مدیرکل درآمد حق بیمه سازمان تأمین اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته توضیح داده است که براساس رأی شعبه هفتم تجدید نظر دیوان عدالت اداری، دانشگاه صنعتی اصفهان و سازمان تأمین اجتماعی مکلف به پرداخت و احتساب حق بیمه سنوات خدمتی احد از کارکنان این دانشگاه شده اند. دانشگاه صنعتی اصفهان از آنجا که نامبرده را جمعی مدارس غیرانتفاعی دانشگاه می دانسته است، مطابق ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی برای وی حق بیمه پرداخت نمی کرد، ولی دانشگاه با تمکین به رأی دیوان آمادگی خود را برای پرداخت حق بیمه موصوف اعلام داشته است. اما سازمان تأمین اجتماعی برخلاف قوانین موضوعه کشور و قانون تأمین اجتماعی و تنها براساس دستور اداری شماره ۱۰۱۵۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۱ اداره کل درآمد حق بیمه سازمان تأمین اجتماعی، مأخذ محاسبه حق بیمه، را براساس نرخ روز آخرین لیست حقوق و دستمزد مشارالیهها محاسبه کرده است، در صورتی که براساس ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی مأخذ محاسبه حق بیمه حقوق زمان اشتغال است. لذا با توجه به مراتب فوق، نظر به این که تعیین مأخذ پرداخت حق بیمه به نرخ روز منوط به اذن صریح قانون است و دستور اداری اداره کل امور درآمد بیمه سازمان تأمین اجتماعی مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات آن سازمان بوده است و مأخذ محاسبه حق بیمه شاکی باید بر اساس مفاد مندرج در ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی طبق حقوق زمان اشتغال باشد، تقاضای ابطال دستور اداری شماره ۱۰۱۵۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۱ را نموده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۲۸۲-۱۳۸۸/۳/۳۱ به

شرح زیر به صدور رأی مبادرت می کند:

به موجب تبصره یک ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی از اول سال ۱۳۵۵ مبنای

احتساب حق بیمه کارفرما ۲۰ درصد حقوق یا مزد ماهانه بیمه شده تعیین شده است و

حکم مقرر در ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی نیز موید مسئولیت کارفرما در پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان تأمین اجتماعی در هنگام پرداخت حقوق و مزایای ماهانه شخص بیمه شده است، بنابراین مطالبه حق بیمه معوقه به نسبت میانگین حداقل و حداکثر دستمزد مشمول کسر حق بیمه سال پرداخت به شرح بخشنامه شماره ۱۰۱۵۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۱ سازمان تأمین اجتماعی خلاف مقررات فوق الذکر و خارج از حدود اختیارات سازمان تأمین اجتماعی تشخیص داده می‌شود و بخشنامه مزبور مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوبه ۱۳۸۵ ابطال می‌شود. در واقع رأی موصوف در خصوص محاسباتی که براساس لیست دستمزد فرد که در حال حاضر پرداخت می‌شود محاسبه و مطالبه می‌شود، اظهار نظری ننموده مضافاً آن که از مفهوم رأی موصوف صرفاً نقض یک روش از نحوه محاسبات سازمان برآورد حق بیمه براساس میانگین حداقل و حداکثر مستفاد می‌شود، در حالی که قضات شعب دیوان مبادرت به اخذ تصمیم مبنی بر محاسبه حق بیمه به ارزش زمان اشتغال براساس رأی موصوف نموده‌اند، لذا در راستای اجرای ماده ۵۳ قانون دیوان عدالت اداری آقای محمدرضا دلاوری، قاضی دیوان عدالت اداری مراتب ایراد خود به رأی موصوف را به شرح ذیل اعلام می‌نماید. دلایل وی به شرح زیر است.

۱. دستور اداری مصوبه محسوب نمی‌شود تا در اجرای بند یک ماده ۱۹، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱ و ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری هیأت عمومی دیوان صلاحیت رسیدگی به شکایت یا اعتراض و یا تظلم خواهی راجع به آن را داشته باشد. دستور اداری مبحث عنه از دائره شمول مصوبه خارج است. متأسفانه هیأت عمومی برخلاف حدود صلاحیت و اختیاراتی که راجع به ابطال مصوبات دارد مبادرت به ابطال دستور اداری کرده است که ابطال طبق ماده ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری در صلاحیت شعبه دیوان است.
۲. تبصره یک ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی راجع به موردی است که کارفرما به تکلیف مقرر در ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی عمل کند، توضیح این که حق بیمه مربوط به هر ماه را کارفرما حداکثر تا آخرین روز ماه بعد تعیین و به سازمان تأمین

- اجتماعی می‌پردازد. مبنای محاسبه حق بیمه را قانونگذار در تبصره یک ماده ۲۸ قانون مذکور ذکر کرده است.
۳. کارفرمایی که حق بیمه را در موعد مقرر پرداخت نکند راجع به آنان قانونگذار در مواد ۹۸، ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۸ قانون تأمین اجتماعی تعیین تکلیف شده و پرداخت از شمول تبصره یک ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی خارج می‌شود.
۴. قانون دریافت جرائم نقدی از کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۳ کارفرمایان را مکلف کرده است که صورت مزد هر ماه بیمه شدگان حتی بیمه بیکاری هر ماه را حداکثر تا پایان آخرین روز ماه بعد به سازمان تأمین اجتماعی ارسال و پرداخت کند، موعد تنظیم و ارسال صورت مزد و حقوق بیمه شدگان با در نظر گرفتن میزان حق بیمه از ۵ درصد تا ۲۰ درصد آن مشمول جریمه خواهد شد که در رسیدگی به شکایت دانشگاه اصفهان مفاد قانون مورد توجه واقع نشده است.
۵. تکلیف مقرر در تبصره یک ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی مطلق نیست و سازمان تأمین اجتماعی در مواد زیر می‌تواند، حق بیمه را رأساً و به صورت مقطوع تشخیص داده و آن را از کارفرما وصول کند.
- الف) مطابق مصوبه مورخ ۱۳۷۳/۳/۱ شورای عالی تأمین اجتماعی در صورتی که کارفرما صورت مزد بیمه شده را ارسال نکرده باشد.
- ب) برابر ماده ۳ آیین نامه اجرایی و تبصره آن (قانون تأمین اجتماعی) در صورتی که کارفرما در ارسال مدارک و اسناد مورد لزوم جهت محاسبه مابه‌التفاوت حق بیمه مربوط به نقض یا اختلاف یا مغایرت اسناد و مدارکی که ارسال کرده اقدامی به عمل نیاورد.
- ج) براساس ماده ۳۵ قانون تأمین اجتماعی
- د) براساس ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی
- ه) تبصره ماده ۳۰ قانون تأمین اجتماعی
۱. مطابق ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند شخصاً مسئول پرداخت آن خواهد بود و این تأخیر رافع

مسئولیت و تعهدات سازمان تأمین اجتماعی در احتساب حق بیمه و وصول آن نخواهد بود و بر مبنای این تعهد قانونی در ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی از سوی مقنن در نظر گرفته شده سازمان تأمین اجتماعی می تواند حق بیمه را رأساً تعیین و از کارفرما مطالبه و وصول کند.

۲. در مواردی که کارفرما از تکلیف مقرر در ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی سرپیچی کرده باشد، در خصوص این که سازمان تأمین اجتماعی در موارد مذکور در ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی به چه نحو حق بیمه را تعیین کند. آیین نامه ضوابط و نحوه اعمال ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی که در تاریخ ۱۳۷۸/۴/۵ به تصویب شورای عالی تأمین اجتماعی رسیده تعیین تکلیف کرده است و رأی وحدت رویه مبحث عنه با مقررات این آیین نامه هماهنگی ندارد.

همچنین سرپرست دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۳۶۶/۵۰/۹۰/۷۱۰۰-۱۳۹۰/۹/۲۶ اعمال ماده ۵۳ الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را خواستار می شود. دلایل و جهات درخواست مذکور به قرار زیر است:

۱. مطابق مواد ۳۶ و ۳۹ قانون تأمین اجتماعی کارفرمایان مکلفند لیست مزد و حقوق کارکنان شاغل در کارگاه را به سازمان تأمین اجتماعی ارسال دارند، تا بر مبنای مزد و حقوق اعلامی کارگران، میزان حق بیمه وفق ماده ۲۸ قانون مذکور محاسبه و وصول شود، چنانچه کارفرما از ارسال لیست ماهیانه خودداری کرده باشد و متعاقباً حسب رأی مراجع ذی صلاح اشتغال فرد در ایام گذشته به اثبات برسد. از آنجا که ملاک تشخیص میزان حق بیمه، حقوق و مزایای مندرج در لیست مزد و حقوق است، که کارفرما به این تکلیف خود عمل نکرده است. در این ارتباط تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی چنین مقرر داشته است: «در صورت عدم ارسال صورت مزد در موعد مقرر از طرف کارفرما، سازمان می تواند مزد یا حقوق بیمه شدگان را بر اساس مأخذی که طبق ماده ۴۰ این قانون مبنای تعیین حق بیمه قرار گرفته است، احتساب و مأخذ پرداخت مزایای نقدی قرار دهد. در مواردی که تعیین مزد

یا حقوق بیمه شده به طریق مذکور میسر نباشد، سازمان می‌تواند مزایای نقدی را به مأخذ حداقل مزد یا حقوق به طور علی‌الرأس پرداخت کند». با توجه به مفاد تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و این که کارفرما به تکلیف خود عمل نکرده و لیست حقوق و دستمزد کارگران را اعلام نمی‌کند، قانونگذار به لحاظ عدم شناسایی دستمزد، ضابطه مشخصی جهت تعیین حقوق و دستمزد کارگران به عنوان مبنای کسر حق بیمه در ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی ارائه کرده است، ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی مقرر داشته است:

«در صورتی که کارفرما از ارسال صورت مزد مذکور در ماده ۳۹ این قانون خودداری کند سازمان می‌تواند، حق بیمه را رأساً تعیین و از کارفرما مطالبه و وصول کند».

حکم ماده مذکور از دو جهت حائز اهمیت است؛ اول: در مواردی که بیمه شدگان ادعای عدم احتساب سوابق در سال‌های گذشته را مطرح می‌کنند و به دلیل عدم ارسال لیست، دستمزد کارگران مشخص نیست سازمان این امکان را پیدا می‌کند تا ضابطه مشخصی را جهت تعیین دستمزد متعارف این قبیل افراد ارائه کند، متعاقب آن سوابق گذشته کارگران را محاسبه کند در غیر این صورت امکان محاسبه سنوات گذشته مورد ادعای کارگران وجود نخواهد داشت. دوم: با توجه به این که خدمات کوتاه و بلند مدت از سوی سازمان به نرخ روز به بیمه‌شدگان ارائه می‌شود و سازمان نمی‌تواند دستمزد سنوات گذشته را مبنای برقراری حمایت قرار دهد، در نتیجه الزام این سازمان در احتساب سوابق گذشته بر مبنای حقوق و دستمزد همان ایام، ضرر مالی قابل توجهی متوجه سازمان می‌نماید که این امر نه تنها با اصول و محاسبات بیمه‌ای و مقررات تأمین اجتماعی سازگار نیست بلکه با اصول مسئولیت مدنی نیز منطبق نیست زیرا در این صورت مسئولیت و تقصیر کارفرما در عدم ارسال به موقع لیست متوجه سازمان شده و سازمان موظف به جبران خسارتی می‌شود که مسبب اصلی آن کارفرما بوده است براین اساس بوده است که ماده ۴۰ قانون مذکور جهت جلوگیری از بروز خسارت مالی سازمان، مبنای مشخصی در تعیین حق بیمه سنوات گذشته ارائه کرده است.

در ادامه ماده ۳ آیین نامه ضوابط و نحوه اعمال ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی نیز چنین بیان داشته است: در تمامی موارد که امکان دسترسی به هزینه های دستمزد از طرق مندرج در ماده ۲ و تبصره آن میسر نشود، سازمان تأمین اجتماعی مجاز است با بررسی های کارشناسی و با در نظر گرفتن پروانه بهره برداری کارگاه، تعداد کارکنان آن در سال یا ماههایی که صورت مزد، حقوق، حق بیمه ارسال و پرداخت کرده است، عداللزوم با استفاده از تعداد کارکنان شاغل در فعالیت های مشابه، تعداد کارکنان شخص حقوقی را تعیین کند. در این حالت دستمزد مبنای محاسبه حق بیمه به صورت علی الرأس از رابطه زیر به دست می آید: «جمع حداقل و حداکثر دستمزد ماهانه مشمول کسر حق بیمه زمان محاسبه ضرب در دو، نتیجه آن تقسیم بر سه سپس ضرب در تعداد کارکنان برآورد شده و تعداد ماه های مورد نظر سال مالی».

با عنایت به مواد یاد شده قانونگذار برای تحقق احتساب سابقه ایام معوقه افرادی که کارفرمای آنان به تکلیف مقرر قانونی در ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی عمل نکرده است، فرمولی را تعیین کرده که براساس آن سازمان نیز در اجرای مواد یاد شده در این قبیل موارد در صورتی که ذی نفع در زمان تقاضا شاغل باشد، حقوق و مزایای دریافتی آخرین ماه اشتغال زمان تقاضا را مبنای محاسبه و وصول حق بیمه تعیین کرده است و در مواردی که بیمه شده در زمان تقاضا شاغل نیست، حاصل جمع حداقل دستمزد و حداکثر دستمزد مبنای کسر حق بیمه تقسیم بر دو ملاک محاسبه و وصول حق بیمه مقرر شده است. در حالی که دادنامه شماره ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی مطالبه حق بیمه معوقه به نسبت میانگین حداقل و حداکثر دستمزد مشمول کسر حق بیمه سال پرداخت را نپذیرفته است و ضابطه ای نیز برای مطالبه حق بیمه تعیین نکرده است که این تصمیم با ماده ۴۰ قانون و آیین نامه مربوطه مغایر است. در نتیجه سازمان تأمین اجتماعی با اختیارات حاصله از ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین نامه مربوطه می تواند حق بیمه را رأساً تعیین و از کارفرما مطالبه کند.

۱. لازم به ذکر است که دادنامه شماره ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری یکی از طرق محاسبه حق بیمه ایام معوقه را ابطال کرده است که این امر نشان دهنده اجرای حکم دیوان و استفاده از اختیارات قانونی سازمان است

لیکن با وجود مراتب فوق شعب دیوان عدالت اداری در مواردی که خواسته شکات الزام به واریز حق بیمه ایام معوقه از سوی کارفرما و دریافت و احتساب سوابق مزبور از ناحیه سازمان تأمین اجتماعی است، با استنباط از دادنامه شماره ۲۸۲ مورخ ۱۳۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری محاسبه حق بیمه ایام معوقه را که کارفرما از ارسال لیست و پرداخت حق بیمه کارکنان شاغل خودداری ورزیده است براساس زمان اشتغال تعیین کرده است که با عنایت به مراتب پیشگفت این امر به هیچ یک از مواد قانون تأمین اجتماعی منطبق نیست و خلاف قانون است و این امر موجب تضییع حقوق سازمان و وقفه در انجام تعهدات سازمان را فراهم می‌سازد.

بنابراین با توجه به جمیع جهات فوق از آنجا که دادنامه ۲۸۲ مورخ ۱۳۸۸/۳/۳۱ خلاف تبصره ماده ۴۸ تأمین اجتماعی و ماده ۴۰ قانون مذکور و آیین نامه مربوطه صادر شده است. تقاضای بررسی وفق ماده ۵۳ الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت ادای و طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در راستای اصلاح دادنامه مذکور به عمل آمده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور روسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند: ۱- نظر به این که مفاد رأی شماره ۲۸۲ مورخ ۱۳۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص مواردی است که کارفرما مطابق ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی، صورت مزد را ارسال نکرده باشد و محاسبه و وصول حق بیمه از سوی صندوق تأمین اجتماعی براساس میانگین حداقل و حداکثر دستمزد محاسبه و وصول شده باشد که این امر موجب رأی مذکور ابطال شده است و متضمن حکمی مبنی بر تجویز محاسبه و وصول حق بیمه براساس حقوق و دستمزد زمان اشتغال سابق که مورد ادعا قرار گرفته، نمی‌باشد و لذا موجبی برای اتخاذ تصمیم جدید و یا ابطال آن به شرح مندرج در گردش کار وجود نداشته و از اعتبار سابق برخوردار است و لکن به شرح مذکور از آن رأی رفع ابهام می‌گردد.

گفتار دوم: مفهوم و تحلیل ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی و تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین‌نامه مربوطه

بند نخست: مطابق ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی حق بیمه سهم کارفرما را ۲۰ درصد مزد یا حقوق بیمه شده تعیین نموده که با احتساب سهم بیمه شده (۷ درصد مزد یا حقوق بیمه شده) و کمک دولت (۳ درصد) به سی درصد مزد و حقوق افزایش می‌یابد.

ضمناً براساس قانون بیمه بیکاری مصوب سال ۶۹ مجلس شورای اسلامی ۳ درصد به نرخ حق بیمه موضوع ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی افزوده گردیده است.

بند دوم: براساس ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی مقرر گردیده: «کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان می‌باشد و مکلف است، در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه شده را کسر نموده و سهم خود را بر آن افزوده به سازمان تأدیه نماید. در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند، شخصاً مسئول پرداخت آن خواهد بود.

تأخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در قبال بیمه شده نخواهد بود.

تبصره: بیمه شدگانی که تمام یا قسمتی از درآمد آنها به ترتیب مذکور در ماده ۳۱ این قانون تأمین می‌شود، مکلفند حق بیمه سهم خود را برای پرداخت به سازمان به کارفرما تأدیه نمایند، ولی در هر حال کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه خواهد بود».

بند سوم: طبق ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی نیز کارفرما مکلف است، حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان بپردازد و همچنین صورت مزد یا حقوق بیمه شدگان را به سازمان تسلیم نماید و نیز با استناد به تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و این که در صورت عدم ارسال لیست از ناحیه کارفرما قانونگذار مقرر نموده که سازمان تأمین اجتماعی وفق ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین‌نامه مربوطه حق بیمه را رأساً تعیین و از کارفرما مطالبه نماید.

نکته بسیار مهم در این خصوص آن است که: با توجه به این که خدمات کوتاه مدت و بلندمدت از سوی سازمان به نرخ روز به بیمه شدگان ارائه می شود، سازمان نمی تواند دستمزد سنوات گذشته را مبنای برقراری حمایت قرار دهد و این امر ضرر مالی قابل توجهی متوجه سازمان می نماید که این امر نه تنها با اصول و محاسبات بیمه‌ای و مقررات تأمین اجتماعی سازگار نمی باشد، بلکه با اصول مسئولیت مدنی نیز منطبق نیست، زیرا در این صورت مسئولیت و تقصیر کارفرما در عدم ارسال به موقع لیست متوجه سازمان شده و سازمان موظف به جبران خسارتی می شود که مسبب اصلی آن کارفرما بوده است، در واقع تعیین اختیار محاسبه علی الراس در ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی نیز جهت جلوگیری از بروز خسارت مالی به سازمان در قانون پیش‌بینی شده که این امر در ماده ۳ آیین نامه ضوابط نحوه اعمال ماده ۴۰ نیز درج گردیده است.

با عنایت به مواد یاد شده قانونگذار برای تحقق احتساب سابقه ایام معوقه افرادی که کارفرمای آنان به تکلیف مقرر قانونی مقرر در ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی عمل ننموده فرمولی را تعیین نموده که براساس آن سازمان نیز در اجرای مواد یاد شده در این قبیل موارد در صورتی که ذی نفع در زمان تقاضا شاغل باشد، حقوق و مزایای دریافتی آخرین ماه اشتغال زمان تقاضا را مبنای محاسبه و وصول حق بیمه تعیین نموده و در مواردی که بیمه شده در زمان تقاضا شاغل نیست حاصل جمع دستمزد حداکثر دستمزد مبنای کسر حق بیمه تقسیم بر دو ملاک محاسبه و وصول حق بیمه مقرر گردیده است. در حالی که دادنامه ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی مطالبه حق بیمه معوقه به نسبت میانگین و ضابطه ای نیز برای مطالبه حق بیمه تعیین نموده است که این تصمیم با ماده ۴۰ قانون و آیین نامه مربوطه مغایر می باشد.

بنابراین با توجه به تکلیف قانونی کارفرما مبنی بر پرداخت حق بیمه مقرر مربوط به هر ماه حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان و این که در صورت خودداری کارفرما از انجام تکلیف قانونی مذکور، ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی حاکم بر تعیین حق بیمه بوده و سازمان در اجرای ماده یاد شده می تواند، حق بیمه موصوف را رأساً تعیین و از کارفرما وصول نماید.

با این توضیح که سازمان در اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین نامه مربوطه و به منظور تعیین حق بیمه مقرر در ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی باید مزد یا حقوق بیمه شده را ملاک عمل قرار دهد، منتهی از آنجایی که کارفرما حکم مقرر در ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی را اجرا ننموده و از ارسال صورت مزد و حقوق کارگر خودداری کرده است، به واسطه مشخص نبودن مزایا حقوق، در عمل تعیین میزان حق بیمه برای سازمان در ایام مورد ادعای بیمه شده میسر نمی‌باشد، براین اساس با اختیار حاصله از تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین نامه مربوطه سازمان را مخیر در تعیین حق بیمه ایام گذشته نموده است.

گفتار سوم: تحلیل دادنامه شماره ۱۹ مورخ ۹۱/۱/۲۱ هیأت عمومی

دیوان عدالت اداری

مطابق مواد ۳۶ و ۳۹ قانون تأمین اجتماعی کارفرمایان مکلفند لیست مزد و حقوق کارکنان شاغل در کارگاه را به سازمان تأمین اجتماعی ارسال نمایند. تا بر مبنای مزد و حقوق اعلامی کارگران، میزان حق بیمه وفق ماده ۲۸ قانون مذکور محاسبه و وصول شود، چنانچه کارفرما از ارسال لیست ماهیانه خودداری نموده و متعاقباً حسب رأی مراجع ذی صلاح اشتغال فرد در ایام گذشته به اثبات برسد، از آنجایی که ملاک تشخیص میزان حق بیمه، حقوق و مزایای مندرج در لیست مزد و حقوق بوده که کارفرما به این تکلیف خود عمل ننموده است، در نتیجه تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین نامه مربوطه این امکان را فراهم نموده تا سازمان رأساً نسبت به تعیین ملاک حقوق و دستمزد اقدام و بر همان مبنا حق بیمه را وصول نماید که این امر در مواد ۳۵، ۴۱، ۳۰، ۳۶ و ۴۸ نیز تصریح گردیده است. لذا آنچه که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ مورد ایراد واقع و آن را وفق قوانین و مقررات ندانسته و احتساب سنوات گذشته براساس میانگین حداقل و حداکثر دستمزد بوده و حکم ابطال آن را صادر نموده است، از آنجایی که صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در موارد رسیدگی به اعتراض‌ها نسبت

به مصوبات دولت از جهت بررسی و انطباق مصوبه با موازین قانونی بوده و نتیجه آن نیز ابطال مصوبه خلاف قانون خواهد بود. در نتیجه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نمی‌تواند، در این موارد ضابطه و قاعده‌ای وضع نموده و نهادهای اداری را به اجرای آن ملزم نماید بلکه دستگاه‌های اداری موظفند اقدام‌های خود را منطبق با قوانین و مقررات اصلاح نمایند. صندوق تأمین اجتماعی متعاقب رأی هیأت عمومی یاد شده، نحوه محاسبه حق بیمه بر مبنای میانگین حداقل و حداکثر را حذف و با استناد به تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و اختیار حاصله از ماده ۴۰ قانون مذکور رأساً نسبت به محاسبه حق بیمه سنوات گذشته اقدام خواهد نمود.

با توجه به جهت برداشتی که قضات دیوان از دادنامه موصوف داشته و با استناد به آن اقدام به صدور رأی مبنی بر محاسبه حق بیمه به ارزش سنوات گذشته صادر نموده‌اند، که این امر موجب ضرر مالی فراوان به صندوق تأمین اجتماعی را در پی داشته و خلاف موازین و مقررات بوده که منجر به درخواست اعمال ماده ۵۳ الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از سوی احدی از قضات دیوان و نیز دفتر و امور حقوقی و دعاوی سازمان را در پی داشته است که النهایه به شرح اعلامی در متن دادنامه منجر به رسیدگی و تأیید اقدام‌های سازمان مبنی بر اصلاح نحوه محاسبه حق بیمه بر مبنای تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۰ قانون مذکور گردیده است.

نتیجه:

به عنوان نتیجه بحث می‌توان گفت که مطابق مواد ۳۶ و ۳۹ قانون تأمین اجتماعی کارفرمایان مکلفند لیست مزد و حقوق کارکنان شاغل در کارگاه را به سازمان تأمین اجتماعی ارسال نمایند تا بر مبنای مزد و حقوق اعلامی کارگران، میزان حق بیمه وفق ماده ۲۸ قانون مذکور محاسبه و وصول شود. چنانچه کارفرما از ارسال لیست ماهیانه خودداری نموده و متعاقباً حسب رأی مراجع ذیصلاح اشتغال فرد در ایام گذشته به اثبات برسد.

از آنجایی که ملاک تشخیص میزان حق بیمه، حقوق و مزایای مندرج در لیست مزد و حقوق بوده که کارفرما به این تکلیف خود عمل ننموده است، در نتیجه تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین نامه مربوطه این امکان را فراهم نموده تا سازمان رأساً نسبت به تعیین ملاک حقوق و دستمزد اقدام و بر همان مبنا حق بیمه را وصول نماید.

در ادامه به دلیل این که دادنامه ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ یکی از طرق محاسبه حق بیمه ایام معوقه را ابطال نموده است و سازمان نیز وفق مراتب فوق نسبت به وصول حق بیمه اقدام می نماید، لیکن با وجود اختیارات قانونی سازمان، شعب دیوان در مواردی که خواسته شکات الزام به واریز حق بیمه ایام معوقه از سوی کارفرما و دریافت و احتساب سوابق مزبور از ناحیه سازمان تأمین اجتماعی می باشد، با استنباط از دادنامه شماره ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری محاسبه حق بیمه ایام معوقه را که کارفرما از ارسال لیست و پرداخت حق بیمه کارکنان شاغل خودداری کرده، براساس زمان اشتغال تعیین نموده است که با عنایت به مراتب پیشگفت این امر با هیچ یک از مواد قانون تأمین اجتماعی منطبق نبوده است، زیرا وفق مقررات جاری سازمان از جمله تبصره ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی، سازمان مکلف است تعهدات خود را در قبال بیمه شدگان به مأخذ مزد یا حقوق عمل نماید. که این امر موجب تضییع حقوق سازمان و وقفه در انجام تعهدات سازمان را فراهم می نماید.

در این ارتباط پرونده ای با موضوع اجرای دادنامه ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ در شعبه اول اجرای احکام دیوان عدالت اداری مطرح و در نهایت منتهی به تصمیم آن مرجع محترم به شماره ۱/۷۳۲/۸۹/۱ ج مورخ ۹۰/۴/۱۴ مبنی بر تأیید اقدام های سازمان در اجرای ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و آیین نامه مربوطه گردیده است.

متعاقباً به دلایل یاد شده صندوق تأمین اجتماعی تقاضای اعمال ماده ۵۳ الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه شماره ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را از ریاست محترم دیوان عدالت اداری درخواست نمود که پس از رسیدگی موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری منتهی به دادنامه شماره ۱۹ مورخ ۹۱/۱/۲۱ شده است که مفاد آن حاکی از این است که الزام سازمان به

محاسبه حق بیمه ایام گذشته براساس حقوق و دستمزد زمان اشتغال منتفی شده است و سازمان باید محاسبه سوابق ایام گذشته افراد را که حسب رأی مراجع ذی صلاح به اثبات می‌رسد وفق دادنامه اخیرالذکر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و مقررات جاری سازمان، رأساً تعیین و بر مبنای آن حق بیمه مربوطه را وصول نماید.

منابع:

۱. قانون تأمین اجتماعی
۲. دادنامه شماره ۲۸۲ مورخ ۸۸/۳/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۳. دادنامه شماره ۱۹ مورخ ۹۱/۱/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری